



Crisis Studies of the Islamic Republic of Iran with Focus on Material Opportunities Articulated in the Second Phase of the Revolution Statement

Abbas Moqtadaei

Faculty Member, Department of Political Science and International Relations, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Mohammad Gholami

Ph.D. in International Relations, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

Email: infogholami85@yahoo.com

Abstract

The Islamic Revolution of Iran, on the fortieth anniversary of its victory and on the threshold of entering the fifth decade of its existence, has reached a pivotal milestone. While all the arrogant enemies of this revolution harbored delusional assumptions in their minds, the revolution's supporters across the globe have witnessed its resilience in overcoming challenges and achieving remarkable progress. At this critical juncture, the Leader of the Islamic Revolution, by issuing the Second Phase of the Revolution Statement, elucidated the extraordinary accomplishments of the past four decades and presented strategic recommendations for advancing toward the realization of a great Islamic Iran. Accordingly, in the present study, the researcher has employed a descriptive-analytical methodology to identify and examine the impending crises facing the Islamic Republic of Iran by leveraging the material opportunities outlined in the Second Phase of the Revolution Statement. The objective is to propose scientifically and practically viable solutions in a timely manner—accounting for temporal and spatial exigencies—before these crises materialize. This approach aims to facilitate the advancement of the Islamic Revolution's objectives and enhance the efficacy of the Islamic system. The outcome of this study is the identification and presentation of the potential crises confronting the Islamic Republic of Iran, as detailed in the body of the research.

Keywords: Crisis, Crisis Research, Material Opportunities, Second Step Statement, Efficacy





سال اول، شماره سوم (پیاپی ۳)، زمستان ۱۴۰۱، صص. ۴۱-۵۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

مقاله پژوهشی

بحران پژوهی جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر فرصت‌های مادی مطرح شده در بیانیه گام دوم انقلاب

عباس مقتدایی

هیئت علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

محمد غلامی

دکتری روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

Email: infogholami85@yahoo.com

چکیده

انقلاب اسلامی ایران در چهلمین سالگرد پیروزی خود و در آستانه ورود به دهه پنجم حیات خویش، نقطه عطفی را به همراه داشته است؛ درحالی‌که همه دشمنان مستکبر این انقلاب، گمان‌های باطلی را در ذهن می‌پروراندند، اما دوستان این انقلاب در سراسر جهان، انقلاب را درگذر از چالش‌ها و به‌دست‌آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، سربلند دیده‌اند. در این نقطه عطف، رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم» انقلاب و برای ادامه راه، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته، پرداختند و برای تلاش در راستای ساختن ایران اسلامی بزرگ، توصیه‌هایی را عنوان کردند؛ ازاین‌رو، محقق در مطالعه حاضر، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، تلاش داشته است تا با استفاده از فرصت‌های مادی مطرح‌شده در «بیانیه گام دوم انقلاب»، بحران‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران را شناسایی و معرفی نماید تا بتوان با توجه به مقتضیات زمان و مکان، به نحو شایسته در بازه زمانی مناسب و قبل از وقوع هریک از بحران‌ها، راهکارهای علمی و عملی برای مقابله با آن‌ها ارائه کرد؛ به‌گونه‌ای که پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، میسر شود و کارآمدی نظام اسلامی، افزایش یابد. نتیجه این مطالعه، شناسایی و معرفی بحران‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران است که در متن پژوهش، ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: بحران، بحران پژوهی، فرصت‌های مادی، بیانیه گام دوم، کارآمدی

شاپا الکترونیک: ۹۹۷۲-۳۰۴۱ ♦ شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره ♦ فصلنامه نظریه‌پردازی راهبردی

<https://theory.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 3041-9972



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است؛ همچنین آرا و مفاهیم نظری مقاله بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی یا تأیید شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره نیست.

مقدمه

بحران پدیده‌ای است که کارآمدی یک نظام را با چالش روبه‌رو می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که در شرایط مفروض، با راهکارهای جاری، قادر به پاسخگویی به مسائل و مشکلات پیش‌آمده، نیست و اولویت‌های سازمان یا نظام را مختل کرده و خود را در مرکز توجه نظام قرار داده و تلاش‌ها را متوجه خود می‌سازد (ساهدردی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۹). بحران به مفهوم آشفتگی (عمید، ۱۳۹۰: ۲۷۲)، پس از جنگ دوم جهانی در ادبیات سیاسی، جایگاه ویژه‌ای برای خود باز کرد و اندیشمندان علم سیاست و جامعه‌شناسی، در تبیین شرایط سیاسی جامعه از جهات مختلف «توسعه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی» (پای، ۱۳۸۰: ۱۳)، به تشریح شرایط حاکم بر جامعه و علل بروز بحران، پرداختند. بحران‌ها، هرگز در یک قالب و یا یک‌شکل خاص، ظهور نمی‌کنند. آنچه حکومت‌ها و تصمیم‌گیران را دچار مشکل می‌سازد، یک‌دست‌دیدن بحران‌هاست. بحران می‌تواند ناشی از تصمیم‌گیری‌های نادرست، حمله نظامی یک کشور خارجی به مرزهای خودی یا اقدامات براندازی با هدف سرنگونی نظام در قالب کودتا، گسترش اقدامات خرابکاری، ترور نخبگان سیاسی، شورش‌های اجتماعی و ناآرامی‌های حاصل از آن، تشدید عصبیت‌های قومی و نژادی و ... باشد که هر یک می‌تواند از عوامل بروز بحران‌های توفنده در یک کشور، محسوب شود. بنابراین، بحران به معنای عبور از مرحله پیچیده یک کار و یک رویداد (امیرکبیری، ۱۳۷۶: ۳۱) یا توجه فوری به‌منظور اخذ تصمیم فوری در زمان وقوع ناگهانی و غیرمنتظره حادثه یا اتفاقی (میتسبرگ، ۱۳۷۶: ۷۸) در بستر جامعه و از شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی، به وجود می‌آید.

نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط خاص ناشی از انقلاب اسلامی، در طول چهل سال گذشته، با تحولات و بحران‌های مختلف سیاسی - اجتماعی روبه‌رو بوده که بخشی از آن ناشی از عوامل داخلی و بخشی ناشی از عوامل بیرونی بوده است. عبور از بحران‌ها، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که برای حرکت جامعه به‌سوی توسعه، باید موردتوجه قرار گیرد و مقابله و کاستن از اثرات آن‌ها، بر میزان کارآمدی نظام و دستیابی به اهدافش، خواهد افزود.

این بیانیه تجدید مطلعی است خطاب به مردم بزرگ ایران و به‌ویژه جوانان این سرزمین که همانند منشوری برای مرحله دوم «خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» و «شروع فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» کاربرد خواهد داشت.

با این توصیف، هدف اصلی این مطالعه، استخراج بحران‌های موجود پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران با عنایت به بیانیه گام دوم انقلاب، است. در این مطالعه، تلاش شده است تا ابتدا سرخط‌های اساسی در بیانیه گام دوم انقلاب استخراج و پس از پالایش آن‌ها، سرخط‌هایی که بر «فرصت‌های مادی» تمرکز دارند، استنتاج و توسط آن‌ها بحران‌های پیش روی نظام جمهوری اسلامی ایران، ارائه شود. گفتنی است بررسی مطالعات پیشین نشان داد که اگرچه مطالعات فراوانی در حوزه بحران پژوهی و بحران شناسی صورت گرفته است، لیکن مطالعه حاضر در نوع خود به لحاظ تمرکز بر بیانیه گام دوم انقلاب و استنتاج بحران‌های پیش روی نظام جمهوری اسلامی ایران، نوآورانه و جدید است.

۱. چهارچوب مفهومی

۱-۱. آینده پژوهی

آینده پژوهی دانش و معرفت شکل‌بخشیدن به آینده، به شیوه‌ای آگاهانه، عاملانه و پیش‌دستانه است و انسان را از غافلگیری در برابر توفان سهمگین تغییرات و پیشرفت‌های سرسام‌آور محافظت می‌کند (پدرام، ۱۳۹۳: ۱۶).

از نظر عملیاتی آینده پژوهی، تلاشی نظام‌مند و مشارکتی برای نگرش به آینده میان‌مدت و بلندمدت که در فعل امروز نقش‌آفرینان و تصمیم‌گیران منعکس بوده و نه تنها امروز، بلکه فردا و آینده را نیز پشتیبانی می‌کند (صالح‌اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴).

آینده پژوهی به عنوان علم مطالعه آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب و تلاشی هدفمند و نظام‌مند برای به کارگیری عالمانه ابزارها و دست‌کاری مطلوب عوامل برای ایجاد آینده دلخواه، با تکیه بر روش‌های علمی، پرکاربرد و مقبول همچون سناریونویسی تلاش می‌کند تا ما را در شناخت آینده‌های ممکن و محتمل و مطلوب و تلاش برای ایجاد آینده دلخواه یاری کند (رضایان، ۱۳۹۵: ۲).

۱-۲. بحران پژوهی

سال‌هاست مفهوم و مطالعات مرتبط با مفهوم آینده پژوهی توسط اندیشمندان رشته‌های مختلف پیگیری و مطرح شده است. برخی معتقدند که هدف غایی آینده پژوهی حفظ رفاه بشری و توسعه آن

و گسترش ظرفیت‌هایی است که ادامه حیات بشر بر روی کره زمین را ممکن می‌سازد (حاجبانی، ۱۳۹۱: ۴۱).

اگرچه این مفهوم معانی تخصصی خود را دارد، لیکن در این مقاله با نیم‌نگاهی به همین مفاهیم و تعاریف مبحث و مفهوم نوینی را تحت عنوان «بحران‌پژوهی» مطرح می‌کنیم؛ به این معنا که با نگاه به آینده و با لحاظ نمودن مجموعه‌ای از داده‌ها و اطلاعات و پیش‌بینی‌ها، می‌توان بحران‌های پیش‌رو را تخمین‌زد و بر اساس آن، جلوی بحران‌های آتی را گرفت و یا از آثار زیان‌بار آن‌ها کاست و بر کارآمدی نظام، افزود. بر این اساس، بحران‌پژوهی نوعی مدیریت بحران محسوب می‌شود که در مرحله پیشینی به مدیریت بحران می‌پردازد و نه لزوماً پس از ایجاد یک بحران.

۱-۳. بیانیه گام دوم

یکی از اسنادی که در آستانه شروع دهه پنجم انقلاب اسلامی ظهور یافت بیانیه‌ای است که از سوی رهبری جمهوری اسلامی ایران صادر شد و به بیانیه گام دوم مشهور شد. در این بیانیه، نکات متعددی مطرح شده که با توجه به موضوع این مقاله، تمرکز اصلی بر «فرصت‌های مادی مطرح‌شده و بحران‌پژوهی» پیرامون این سرخط‌ها و مفاد است؛ سرخط‌هایی که به‌طور خلاصه می‌توان در موارد زیر عنوان نمود:

- ✓ جامعه‌پردازی اسلامی؛
- ✓ تمدن‌سازی مبتنی بر رویکردهای اسلامی؛
- ✓ طرح مفهوم دین در کنار دنیا و آغاز عصر جدید مبتنی بر این رویکرد؛
- ✓ حفظ و پابندی به شعارهای انقلاب اسلامی؛
- ✓ مفاهیم معنایی مبتنی بر رویکردهای اسلامی نظیر آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برابری؛
- ✓ دل‌زدگی ناشی از روی‌گردانی مسئولان از ارزش‌های دینی؛
- ✓ آمادگی انقلاب اسلامی برای تصحیح خطاهای خویش؛
- ✓ عدم رکود و خموشی انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی؛
- ✓ دفاع ابدی از نظریه نظام انقلابی؛
- ✓ پابندی شدید به اصول جمهوری اسلامی؛



- ✓ طی نمودن فاصله میان باید‌ها و واقعیت‌ها؛
- ✓ ایستادگی صریح و شجاعانه در برابر زورگویان و گردن‌کشان برای دفاع از مظلومان و مستضعفان؛
- ✓ سردمداری تقابل دوگانه جدید اسلام و استکبار از سوی انقلاب اسلامی؛
- ✓ فرصت مدیریت جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی؛
- ✓ آموزش مفهوم «ما می‌توانیم» از سوی امام خمینی (ره) و ضرورت تداوم آن؛
- ✓ ضرورت حفظ حکومت مردمی و مردم‌سالاری؛
- ✓ اتکا به توانایی داخلی؛
- ✓ وجود زیرساخت‌های حیاتی، اقتصادی و عمرانی؛
- ✓ شرکت‌های دانش‌بنیان؛
- ✓ طرح‌های زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران، حمل‌ونقل، صنعت، نیرو، معدن، سلامت، کشاورزی و آب؛
- ✓ وجود میلیون‌ها تحصیل‌کرده دانشگاهی یا در حال تحصیل؛
- ✓ وجود هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور؛
- ✓ وجود طرح‌های بزرگ در کشور از قبیل چرخه سوخت هسته‌ای سلول‌های بنیادین، فناوری نانو، زیست‌فناوری و ...؛
- ✓ افزایش شصت برابری صادرات غیرنفتی؛
- ✓ حدود ده برابر شدن واحدهای صنعتی؛
- ✓ ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی؛
- ✓ تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی؛
- ✓ برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی؛
- ✓ درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و دستیابی به جایگاه مرجعیت در آن؛
- ✓ به اوج رسیدن مشارکت مردمی؛
- ✓ به اوج رسیدن استکبارستیزی؛
- ✓ شدت گرفتن مسابقه خدمت‌رسانی مردم در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی؛
- ✓ ارتقاء بینش سیاسی آحاد مردم و نگرش آنان به مسائل بین‌المللی؛



- ✓ ضرورت سنگین‌شدن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور؛
- ✓ رونق بی‌سابقه مساجد و فضاهای دینی؛
- ✓ ضرورت حراست از استقلال، آزادی، اقتدار، عزت، تدین، پیشرفت علمی کشور و ملت؛
- ✓ هرم جمعیتی کشور و جایگاه جوانان در آن ضرورت برنامه‌ریزی دقیق در این خصوص؛
- ✓ مقابله با آمریکا و رژیم صهیونیستی برای برچیدن نفوذ آمریکا از منطقه غرب آسیا؛
- ✓ ضرورت بهره‌گیری از نیروی انسانی مستعد و کارآمد؛
- ✓ ضرورت برنامه‌ریزی برای ۳۶ میلیون نفر که در سنین ۱۵ تا ۴۰ سالگی قرار دارند؛
- ✓ ضرورت برنامه‌ریزی و به‌کارگیری ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی؛
- ✓ ضرورت بهره‌گیری از محققان، اندیشمندانی که به آفرینش‌های علمی و صنعتی و فرهنگی و ... اشتغال دارند؛
- ✓ ضرورت بهره‌گیری از جوانانی که روحیه انقلابی و آمادگی تلاش جهادی برای کشور دارند؛
- ✓ فرصت وجود مدیران کارآمد، پرانگیزه و خردمند؛
- ✓ ضرورت افزایش درآمدهای ملی؛
- ✓ ضرورت دستیابی به اعتمادبه‌نفس در مدیران؛
- ✓ دارا بودن یک درصد جمعیت جهان توسط ایران؛
- ✓ دارا بودن هفت درصد ذخایر معدنی توسط ایران؛
- ✓ وجود منابع عظیم زیرزمینی؛
- ✓ دارا بودن موقعیت استثنایی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب؛
- ✓ دارا بودن بازار بزرگ ملی؛
- ✓ دارا بودن بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت؛
- ✓ دارا بودن سواحل دریایی؛
- ✓ دارا بودن حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی؛
- ✓ دارا بودن اقتصاد بزرگ و متنوع؛
- ✓ ضرورت حفظ امید به آینده در کشور به‌ویژه در بین جوانان؛
- ✓ ضرورت برحذربودن از ناامیدی و ترس کاذب؛
- ✓ ضرورت حفظ رویش‌های انقلاب در مقایسه با ریزش‌های انقلاب؛



✓ ضرورت حفظ و ارتقای رتبه ۱۶ دستاوردهای دانش و فناوری در میان بیش از ۲۰۰ کشور جهان؛

✓ ضرورت جلوگیری از آثار تحریم مالی و علمی کشور؛

✓ ضرورت تقویت همه‌جانبه اقتصاد کشور؛

✓ ضرورت دستیابی به استقلال اقتصادی مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت و توزیع عدالت‌محور و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه؛

✓ ضرورت رهایی از اقتصاد وابسته به نفت؛

✓ ضرورت اتکا به ظرفیت‌های داخلی؛

✓ ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت نیروی انسانی کشور؛

✓ ضرورت دستیابی به بودجه‌بندی صحیح و متوازن؛

✓ ضرورت ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصادی؛

✓ ضرورت جلوگیری از هزینه‌های زائد و مسرفانه در دستگاه‌های حکومتی؛

✓ ضرورت دستیابی به اقتصاد درون‌زا، مولد و دانش‌بنیان؛

✓ ضرورت مردمی‌کردن اقتصاد و جلوگیری از تصدی‌گری‌های دولتی؛

✓ ضرورت تحقق عدالت و مبارزه با فساد؛

✓ ضرورت تحقق طهارت اقتصادی به‌عنوان شرط مشروعیت همه مقامات حکومت در جمهوری اسلامی؛

✓ ضرورت حفظ و گسترش استقلال و آزادی؛

✓ ضرورت رعایت اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌المللی؛

✓ ضرورت مقابله با سبک زندگی غربی در ایران؛

۷۵ سرخط یادشده، اصلی‌ترین مباحثی است که بیانیه گام دوم نسبت به آن تصریح داشته است و اگرچه مفاد مطرح در بیانیه مذکور، منحصر به این سرخط‌ها نیست و می‌توان موارد فرعی و یا جزئی دیگری به این فهرست اضافه نمود؛ لیکن برای تسهیل در طبقه‌بندی مفاهیم مندرج در بیانیه گام دوم، «**سرخط‌های اساسی**» موردتوجه قرار گرفت. سرخط‌هایی که می‌توان آن‌ها را در دو بخش اول: آرمان‌ها و باید‌ها (راهی که آغازشده و تاکنون کامل نشده است و یا می‌بایست در جهت دستیابی به

آن اقدام و حرکت نمود)، دوم واقعیت‌های موجود (فرصت‌های مادی که تاکنون حادث شده است) طبقه‌بندی کرد.

از میان ۷۵ سرخط یادشده می‌توان موارد زیر را به‌طور مشخص در زمره بخش دوم قلمداد نمود (۳۲ مورد).

۲. بحران‌های پیشین در جمهوری اسلامی ایران

بحران‌های پیشین در جمهوری اسلامی ایران در یک طبقه‌بندی کلان به دو گروه اصلی قابل تقسیم‌بندی می‌باشند:

الف: بحران‌هایی که عوامل پدیدآورنده آن عمدتاً ناشی از مشکلات، نابسامانی‌ها، عوامل و حتی ناکارآمدی‌های داخلی محسوب می‌شوند.

ب: بحران‌هایی که ریشه در اقدامات عوامل خارج از کشور نظیر دولت‌ها، سرویس‌های امنیتی و ... دارد که در ادامه هر یک از این دودسته را به‌اختصار توضیح می‌دهیم.

جمهوری اسلامی ایران که به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ تشکیل شد و بر اساس فرماندم ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ شکل گرفت، از همان ابتدا با مجموعه‌ای از بحران‌های داخلی و خارجی مواجه بوده است. بحران‌های داخلی ایران را می‌توان در چهار گروه کلی طبقه‌بندی کرد:

الف) بحران‌های سیاسی - امنیتی

ب) بحران‌های اجتماعی

ج) بحران‌های اقتصادی

د) بحران‌های طبیعی

با شکل‌گیری ساختار سیاسی و نهادسازی‌های مبتنی بر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، بسیاری از تنش‌ها، چالش‌ها، نابسامانی‌ها و بحران‌هایی که در نتیجه خلأ سرنگونی نظام سیاسی قبلی و جایگزین شدن ساختار جدید پدید آمده بود، برطرف شد. مشارکت سیاسی گسترده و شرکت واجدین شرایط در انتخابات کمک فراوانی به استقرار نظام تازه تأسیس نمود. با این حال در طول دهه‌های پس از انقلاب همواره در سطوح داخلی نگرانی‌ها، ناکارآمدی‌ها و چالش‌هایی وجود داشته است که بسته به تعریفی که از بحران ارائه می‌شود، می‌توان آن‌ها را بحران دانست یا در دسته‌بندی‌های



مفهومی ماقبل بحران که شدت گرفتن آن‌ها می‌تواند به بحران بینجامد یا حل آن‌ها می‌تواند جلوی بحران را بگیرد.

۳. بحران‌های داخلی

۳-۱. بحران‌های داخلی سیاسی - امنیتی

نامانی داخلی در ماه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مناطق مختلف به شکل‌های متفاوت نمایان شد؛ بحران امنیتی در کردستان، بحران امنیتی در گنبد و مناطق شمالی کشور، بحران امنیتی در مناطق شرقی از جمله مهم‌ترین بحران‌هایی بود که در کنار بحران امنیتی که در تهران و عمدتاً بر پایه ترور انقلابیون و فعالان سیاسی رخ می‌داد، ضرورت مقابله با چنین بحران‌هایی را به‌عنوان یک دغدغه دائمی رهبران و برنامه‌ریزان نظام جمهوری اسلامی ایران گوشزد می‌کرد.

این قبیل بحران‌ها زمینه‌ساز بحران‌های دیگری شد. ترور رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر وقت در سال ۱۳۶۰، انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی ایران و شهادت تعداد زیادی از رجال سیاسی و مسئولان نظام از جمله بحران‌های امنیتی است که نظام موفق شد بحران‌های یادشده را از سر بگذراند. علاوه بر بحران‌های امنیتی، بحران‌های سیاسی نیز که بخشی از آن زمینه‌ساز رخداد‌های امنیتی بوده و برخی از آن‌ها در نتیجه حوادث امنیتی پدید می‌آمدند نیز وجود داشت. از جمله این بحران‌های سیاسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد

الف) بحران ناشی از رویارویی احزاب سیاسی با یکدیگر

ب) تعارض دیدگاه‌های سیاسی میان بخشی از بدنه حاکمیت و برنامه‌ریزی در خصوص نقش و جایگاه رهبری، ولایت‌فقیه، شورای نگهبان، نیروهای نظامی و پاسداران انقلاب اسلامی و تصاحب پست‌های کلیدی انتصابی و یا انتخابی از جمله مواردی است که پرداختن به آن‌ها مقصود اصلی این مقاله نیست؛ لیکن مرور اجمالی آن گویای این واقعیت است که بحران‌های سیاسی - امنیتی یکی از موانع پیش‌روی نظام اسلامی بوده است.

۳-۲. بحران‌های داخلی اجتماعی

هر چه از پیروزی انقلاب اسلامی دورتر شویم، طبقه‌بندی و بروز و ظهور بحران‌های داخلی که در رده اجتماعی طبقه‌بندی می‌شوند نیز آشکارتر می‌شوند. بحران‌های کارگری، اعتصابات مبتنی بر



مطالبات اقشار مختلف نظیر فرهنگیان، پرستاران، کشاورزان و دامداران و ... از جمله بحران های اجتماعی است که با فراگیری کمتر یا بیشتر در مناطق مختلف جغرافیایی به ویژه مناطق شهری قابل رهگیری است.

۳-۳. بحران های داخلی اقتصادی و طبیعی

در عرصه داخلی کشور، جمهوری اسلامی ایران بحران های اقتصادی نیز داشته است. همچنین بخش دیگری از بحران های داخلی کشور در زمره بحران های طبیعی و اقلیمی قرار دارد. سیل و زلزله، عمده ترین این بحران ها است که ساختارهای اداری و اجرایی مشخصی در کشور زیر نظر هیئت دولت، متولی رسیدگی به آن می باشند. سازمان مدیریت بحران کشور، اصلی ترین وظیفه را در مقابله با بحران ها، پیشگیری از آن ها، جبران خسارات و کاهش آثار این بحران ها بر عهده دارد (ماده ۸ اساسنامه سازمان مدیریت بحران کشور).

۴. بحران های خارجی

هنگامی که از بحران سخن به میان می آید، جنگ به عنوان یکی از مصادیق آشکار بحران در نظر گرفته می شود. پدیده ای که به واسطه حمله عراق به ایران، شکل گرفت و حدود هشت سال، دو کشور مسلمان را درگیر نمود. به جهت اهمیت این بحران، ابتدا جنگ ایران و عراق را به عنوان یکی از بحران های پیشین جمهوری اسلامی ایران بررسی می کنیم.

۴-۱. جنگ هشت ساله رژیم بعث عراق با ایران

هنوز مدت زمان زیادی از استقرار نظام سیاسی در ایران نگذشته بود که عراق با تهاجم به قلمروی سرزمینی ایران جنگ را آغاز نمود. جنگی که می توانست فشار عظیمی بر نظام تازه شکل گرفته ایران وارد کند و در تمام ابعاد اقتصادی، صنعتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، امنیتی و حتی توسعه و پیشرفت ایران آثاری را برجای نهد. در نتیجه جنگ، بخشی از زیرساخت های کشور از میان رفت و در عوض حجم قابل توجهی از ابتکارات و اتکا به داخل در جمهوری اسلامی ایران پدید آمد. جنگ و آثار آن را می توان بر اساس طبقه بندی های مختلف توضیح و تشریح نمود که از حوصله این مقاله خارج است لیکن بحران جنگ بخشی از اولویت های کشور را تحت تأثیر خود قرارداد و به نوبه



خود سلسله‌ای از نابسامانی‌ها، کمبودها و بحران‌ها را به دنبال آورد. این بحران نقش و تأثیر عمیقی بر روندهای سال‌های بعدی حیات جمهوری اسلامی ایران داشته و جایگاه و نقش جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی، مراودات با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و به‌طور کلی روند حرکتی کشور متأثر از جنگ و پیامدهای مثبت و منفی آن بوده است و یکی از عوامل قدرتمندتر شدن جمهوری اسلامی ایران در توانمندی‌های ناشی از خوداتکایی حاصل از مقاومت در دوران دفاع است.

۴-۲. بحران‌های جزایر سه‌گانه

یکی از مسائلی که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی در سطوح سیاست خارجی ایران با همسایگان به‌ویژه امارات متحده عربی مطرح بوده، مبحث جزایر سه‌گانه است. کشور امارات هم به‌صورت انفرادی و هم با بهره‌گیری از اهرم‌هایی نظیر شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب ادعاهایی را در خصوص مالکیت جزایر سه‌گانه ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی مطرح کرده است. این موضوع بیش از آنکه ابعاد حقوقی داشته باشد، زمینه‌های سیاسی پیدا کرده است و به‌عنوان یک اهرم فشار بر جمهوری اسلامی ایران مورداستفاده قرار گرفته است. کشورهای نظیر عربستان سعودی و در مقاطع با مرتبط با جنگ ایران و عراق کشورهایی مانند عراق و کویت با حمایت از امارات متحده عربی و یا با تحریک این کشور تلاش کرده‌اند تا از ابزار ادعای امارات به نفع پیشبرد مقاصد سیاسی و دیپلماتیک خود بهره‌برداری کند. همچنان این موضوع مورداستفاده قرار می‌گیرد؛ ولی چون مستندات حقوقی و قضایی لازم در اختیار امارات نیست و برعکس همه ابعاد حقوقی به نفع ایران است ازجمله اینکه جزایر نامبرده در مالکیت ایران بوده و در صورت طرح شکایت در دیوان بین‌المللی دادگستری، جمهوری اسلامی ایران ابتدا و قبل از رسیدگی حقوقی و قضایی از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری باید رضایت و موافقت خویش برای طرح موضوع و رسیدگی در دیوان را مطرح نماید، لذا این موارد و سابقه تاریخی سبب شده است تا امارات عملاً از دستیابی به مقاصد خویش بازماند.

مسائل جهانی و منطقه‌ای خلیج فارس و جزایر سه‌گانه در ابعاد ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک نقش بسیار مهمی در سرنوشت سیاسی، نظامی، دفاعی و امنیتی ایران دارد (فتاحی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵:



کشورهای عربی اغلب بر سر اختلافات سرزمینی با یکدیگر درگیرند که برخی مواقع مانند جنگ عربستان و قطر منجر به تقابل شده است، اما این موضوعات را به سطح بین المللی ارجاع نداده اند. در صورتی که موضوع جزایر سه گانه ایرانی را به یک مناقشه بین المللی میان اعراب و ایران تبدیل کرده اند و امارات متحده عربی هر بار مسئله جزایر را در اغلب جلسات شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب و در دیدار با سران قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای مطرح کرده و برای بازپس گیری آن ها از ایران کمک خواسته است تا به اهدافی چون انزوای سیاسی ایران در منطقه و جهان، کاهش قدرت منطقه ای ایران، فرصت سازی برای بالابردن قدرت چانه زنی سیاسی در برابر ایران و ... دست یابد، اما قدرت سیاست خارجی ایران از رسیدن به این امر جلوگیری کرده است (فتاحی نیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۵).

«امارات متحده عربی فاقد زمینه تاریخی و هویت سیاسی و اجتماعی نهادینه شده و طولانی است و بر این اساس، انسجام سیاسی و اجتماعی لازم را ندارد. با توجه به دغدغه دولت - ملت سازی در میان سیاستمداران این کشور، از یک منظر می توان گفت امارات با طرح ادعا درباره جزایر ایرانی، به دنبال کشور - ملت سازی بوده و به نوعی تلاش دارد با فرافکنی نسبت به تهدید خارجی (ایران) تا حد امکان، از تهدید و نارضایتی داخلی در امان باشد و از این رهگذر، به هویت سازی ملی و ایجاد ناسیونالیسم ملی عربی دست بزنند (مجتهد زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۴).

۴-۳. تحریم اقتصادی

یکی دیگر از بحران های قبلی و فعلی جمهوری اسلامی ایران، تحریم اقتصادی است. این تحریم اقتصادی هم در سطوح سازمان های بین المللی و یا اتحادیه های منطقه ای و نیز قدرت های بزرگ و به طور خاص ایالات متحده آمریکا، انجام گرفته و آثار غیرقابل انکاری بر روند رشد و توسعه جمهوری اسلامی ایران داشته است. تحریم اتحادیه اروپا و همگامی این اتحادیه با ایالات متحده آمریکا در مقاطع مختلف پس از انقلاب رخ داده است. علاوه بر این، سایه این تحریم ها بر مناسبات سایر کشورها و حتی شرکت های چندملیتی نیز متجلی شده و بخشی از دیپلماسی سیاسی و روابط اقتصادی ایران را تحت الشعاع قرار داده؛ به گونه ای که سازمان های تخصصی و بخش های بانکی در سطح بین المللی تحت تأثیر این تحریم ها مناسبات خود را با ایران محدود کرده و یا کاهش داده اند. تحریم های اقتصادی در نتیجه برخی از سیاست ها نظیر سیاست مهار دوجانبه، گفتگوی انتقادی

تحریم‌های هوشمند، تحریم‌های فلج‌کننده صورت گرفته است که در سال‌های اخیر به دنبال امضای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که با حضور کشورهای موسوم به ۵+۱ انجام پذیرفت، بخشی از این تحریم‌ها را لغو نمود؛ لیکن با پافشاری ایالات متحده بر خروج از برجام و حفظ و حتی تشدید تحریم‌ها آثار خسارت‌بار این تحریم‌ها که اگرچه موسوم به اقتصادی است، اما بر بخش‌های دیگر غیراقتصادی نیز اثرگذار است، همچنان پابرجاست.

۴-۴. تحریم بین‌المللی

بخش قابل توجهی از بحران‌هایی که جمهوری اسلامی ایران با آن دست‌به‌گریبان بوده است، در شمار بحران‌های بین‌المللی محسوب می‌شود. آبراه خلیج فارس و تنگه هرمز، موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک ایران، حضور مستمر قدرت‌های بزرگ در بحران‌هایی که در مجاورت ایران رخ داده است مانند جنگ دوم خلیج فارس (عراق و کویت)، حضور نظامی آمریکا در عراق، حضور نظامی آمریکا در افغانستان بیانگر آن است که بخشی از بحران‌های ایران به‌خودی‌خود ابعاد بین‌المللی و فرا منطقه‌ای می‌یابد؛ لیکن در این مبحث منظور از بحران‌های بین‌المللی، چالش‌ها و دردهایی است که ایران در عرصه بین‌المللی با آن مواجه شده است که به لحاظ اختصار آن‌ها را صرفاً در دو مبحث خلاصه می‌کنیم؛

۱. بحران حقوق بشری برای ایران؛

۲. بحران‌های ایران در ارتباط با سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی.

با توجه به اینکه سازمان ملل متحد موضوع حقوق بشر را در سطح بین‌المللی و نیز درون کشورها رصد می‌کند، یکی از فشارهایی که در عرصه بین‌المللی بر ایران وارد شده و نفوذ قدرت‌های بزرگ نظیر آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی نظیر انگلیس و فرانسه در پدید آمدن آن بی‌تأثیر نیست، ادعای نقض حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی ایران است؛ به‌گونه‌ای که در چند دوره دیده‌بان حقوق بشر ملزم شده است تا گزارش‌های حقوق بشری از کم‌وبیش و رعایت حقوق بشر در ایران تهیه کند و هر بار این گزارش‌ها ادعاهایی را در خصوص نقض و یا تخلفات حقوق بشری توسط ایران مطرح نموده که جمهوری اسلامی ایران با رد این ادعاها ماهیت این گزارش‌ها را غیرواقع‌بینانه، جانب‌دارانه و عمدتاً ناشی از رویکردهای سیاسی و تحت تأثیر احتمال نفوذ دانسته و آن‌ها را رد کرده است.

برخی از بحران های پدید آمده برای جمهوری اسلامی ایران از سوی سازمان های بین المللی شکل گرفته است؛ تسخیر لانه جاسوسی در ابتدای انقلاب اسلامی سبب شد تا فشارهای گسترده ای به دستگاه دیپلماسی ایران وارد شود و در دوره جنگ ایران و عراق برخی از سازمان های منطقه ای نظیر اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس و حتی برخی از سازمان های تخصصی نظیر اوپک که سایر کشورهای همگام با عراق و عربستان در آن نفوذ داشته اند، چالش ها و یا دغدغه هایی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده اند. علاوه بر این ها زیرمجموعه های سازمان ملل نظیر شورای امنیت با صدور قطعنامه هایی زمینه های شکل گیری بخشی از فشارها بر جمهوری اسلامی ایران را پدید آورده اند.



فهرست منابع

- امیرکبیری، علیرضا (۱۳۷۶). *مدیریت بحران*. نشریه تدبیر. شماره ۷۸.
- پای، دبلیو لوسین و دیگران (۱۳۸۰). *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*. ترجمه غلامرضا خواجه سروی. تهران: مطالعات راهبردی.
- پدرام، عبدالرحیم (۱۳۹۳). *آینده‌پژوهی در یک نگاه*. تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱). *مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- رضایان، احد و علی حسین رضایان (۱۳۹۵). *آینده‌پژوهی بحران آب در ایران به روش سناریوپردازی*. فصلنامه اکوهیدرولوژی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱-۱۷.
- ساوه درودی، مصطفی؛ خلیلی، ابراهیم؛ ملکی، عباس (۱۳۹۲). *بحران‌های سیاسی و توسعه سیاسی در ایران*. فصلنامه «امنیت‌پژوهی». شماره ۴۳. صص: ۳۵-۵۹.
- صالح‌اصفهان‌ی، اصغر؛ پدرام، عبدالرحیم؛ رضا رئیسی و انانی (۱۳۹۷). *آینده‌پژوهی ساختار جمعیتی ج.ا. ایران از منظر دفاع امنیتی تا افق ۱۴۳۰*. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، سال یازدهم، شماره چهارم (پیاپی چهل و چهارم)، صص ۱-۳۲.
- عمید، حسن (۱۳۹۰). *فرهنگ عمید*. تهران: امیرکبیر.
- فتاحی‌نیا، غلامرضا؛ شیخ‌زاده، محمد؛ محمد اسماعیلی (۱۳۹۵). *پیامدهای ناشی از ادعاهای واهی امارات متحده عربی بر جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس*. فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی، سال پانزدهم، شماره ۸۰، صص ۱۵۵-۱۸۹.
- فتاحی‌نیا، غلامرضا؛ شیخ‌زاده، محمد و محمد اسماعیلی (۱۳۹۵). *پیامدهای ناشی از ادعاهای واهی امارات متحده عربی بر جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس*. فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی، سال پانزدهم، شماره ۸۰، صص ۱۵۵-۱۸۹.
- مجتهدزاده، پیروز؛ احمدی‌پور، زهرا و طهمورث حیدری (۱۳۹۱). *تبیین دیدگاه‌های امارات متحده عربی نسبت به جزایر سه‌گانه ایرانی از سال ۱۹۹۲ م*. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره اول.

